



بررسی شاخص‌های ارزیابی نظام آموزش و پرورش و چالش‌های محاسباتی آنان بر اساس سالنامه‌های آماری وزارت آموزش و پرورش



لله الحمد لله الرحمن الرحيم



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۶/۲۲

شماره مسلسل: ۱۹۲۶۰

کد موضوعی: ۲۷۰

عنوان گزارش:

بررسی شاخص‌های ارزیابی نظام آموزش و پرورش
و چالش‌های محاسباتی آنان
بر اساس سالنامه‌های آماری وزارت آموزش و پرورش

نام دفتر:

مطالعات آموزش و فرهنگ

تهیه و تدوین:

محمد صادق عبداللهی

همکار:

مهدی مهدی

ناظر علمی:

موسی بیات

ویراستار ادبی:

سیده مرضیه موسوی

طراح گرافیک:

سیده فاطمه ابوطالبی

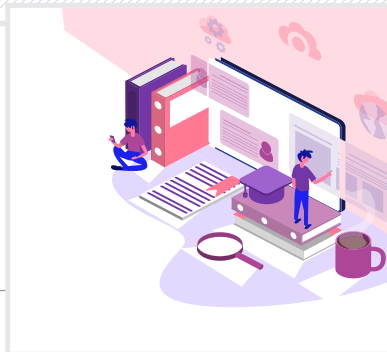
واژه‌های کلیدی:

۱. آموزش و پرورش
۲. ارزیابی نظام آموزشی
۳. رصد و پایش آموزش و پرورش
۴. نظام تعلیم و تربیت
۵. مرکز سنجش و پایش کیفیت آموزش
۶. شورای عالی آموزش و پرورش



فهرست مطالب

۶	چکیده
۷	خلاصه مدیریتی
۱۰	۱. مقدمه
۱۱	۲. ارزشیابی و پایش نظام آموزش و پرورش در اسناد بالادستی
۱۷	۳. بررسی مصوبه ۸۸۶ شورای عالی آموزش و پرورش
۲۴	۴. بررسی سالنامه‌های آماری وزارت آموزش و پرورش
۲۶	۵. جمع‌بندی و ارائه پیشنهادها
۳۰	منابع و مأخذ
۳۰	پی‌نوشت



بررسی شاخص‌های ارزیابی نظام آموزش و پرورش و چالش‌های محاسباتی آنان بر اساس سالنامه‌های آماری وزارت آموزش و پرورش

چکیده



مصوبه ۸۸۶ شورای عالی آموزش و پرورش از معدود مصوباتی است که در آن به صورت مشخص ۴۳ شاخص (۲۹ شاخص کمی و ۱۴ شاخص کیفی) برای سنجش نظام آموزش و پرورش تعریف و استانداردهای آن معین شده است. هر چند پیش از این مصوبه، اسنادی برای تعیین شاخص به تصویب رسیده بود، اما هیچ‌یک به شفافیت این سند شاخص‌ها و استانداردهای آن را تعیین نکرده است. با وجود این بررسی‌ها نشان می‌دهد مصوبه ۸۸۶ به دلایلی مانند عدم جامع‌نگری، فقدان پیوند مشخص با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ابهام در تعیین استانداردها، عدم تفکیک منطقه‌ای استانداردها و تعیین تکلیف نکردن شاخص‌های کیفی عملاً توانایی پوشش سنجش جامع نظام آموزش و پرورش را ندارد. ناکارآمدی ارزیابی نظام آموزش و پرورش بر مبنای این سند آنگاه بیشتر می‌شود که با داده‌های ارائه شده در سالنامه‌های آماری و مشکلات این سالنامه‌ها از قبیل خطاهای محاسباتی، نقص اطلاعات و عدم پیوستگی ارائه سالیانه برخی از داده‌ها عملاً امکان محاسبه بسیاری از شاخص‌ها امکان‌پذیر نیست. لذا می‌توان بیان داشت که مصوبه ۸۸۶ قادر به تحقق خواست اسناد بالادستی در مسئله سنجش عملکرد نظام آموزش و پرورش نیست و این سند نیازمند بازنگری و تعریف شاخص‌ها بر مبنای سند تحول بنیادین و زیر نظام‌های آن است. از سویی برای عملیاتی شدن نظام سنجش نیازمند تجمیع سامانه‌های آماری برای ارائه وضعیت برخط و به‌روز داده‌ها هستیم. برای مطالعه مسائل یاد شده، در گزارش پیش‌رو ابتدا به نقطه مطلوب نظام ارزیابی در

اسناد بالادستی پرداخته و سپس مصوبه ۸۸۶ و اکاوی شده است تا میزان تحقق خواست اسناد بالادستی در این مصوبه معین شود. سپس سالنامه‌های آماری به‌عنوان مهم‌ترین مرجع اطلاع‌رسانی داده‌های نظام آموزش و پرورش که پایه محاسبه هر شاخص می‌باشد، به بحث گذاشته و در انتها پیشنهادهایی برای ارتقای نظام سنجش عملکرد نظام آموزش و پرورش ارائه شده است.

« خلاصه مدیریتی

بیان و شرح مسئله

رصد و ارزیابی مستمر هر نظام و سیستمی از ضروریات پیشرفت و توسعه آن است و نظام آموزش و پرورش نیز از این امر مستثنا نیست. در نظام آموزش و پرورش به‌رغم تأکیدات تمامی سیاست‌ها و اسناد بالادستی بر مسئله ارزیابی و سنجش عملکرد از موارد مهمی غفلت شده است:

- طراحی شاخص‌های ارزیابی میزان تحقق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
- ارزشیابی بیرونی عملکرد نظام تربیت رسمی عمومی در حوزه ساحت‌های شش‌گانه تربیت و زیرنظام‌های آن، زیر نظر شورای عالی آموزش و پرورش در دوره‌های زمانی سه تا پنج‌ساله.
- ارزیابی و نظارت راهبردی فرایند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- طراحی الگوی ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی، پرورشی و تربیتی مدارس و تدوین عوامل، ملاک‌ها، شاخص‌ها و معیارهای معتبر و استاندارد مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی.
- طراحی سازوکارهای مناسب برای رصد دو سالانه تحولات نظام آموزش و پرورش و تربیت معلم در سطح ملی، منطقه‌ای، جهان اسلام و بین‌المللی تا پایان سال اول برنامه ششم توسعه
- طراحی نظام و تدوین ملاک‌ها، شاخص‌ها و معیارهای ارزشیابی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی. آن‌طور که در تمامی موارد فوق نیز مشهود است، لازمه امر مهم ارزیابی مستمر نظام آموزش و پرورش وجود شاخص‌ها و نشانگرهایی است که هم‌ازسویی نظام عملکرد را می‌سنجند و هم‌ازسوی دیگر به‌مثابه هدف، برنامه‌ریزی‌ها را جهت‌دهی می‌کنند. تنها دو سند برای تعیین این شاخص‌ها از سوی شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب رسیده است؛ مصوبه ۷۶۰ مورخ ۱۳۸۶ که در آن تنها برخی از شاخص‌ها نام‌برده شده است و مصوبه ۸۸۶ مورخ ۱۳۹۲ که براساس شاخص‌های مذکور در مصوبه ۷۶۰ تقریر شده و دارای نشانگرهای عملیاتی برای سنجش عملکرد وزارت آموزش و پرورش به‌همراه شرح هر شاخص و استانداردهای آن است. با وجود این عملکرد نظام سنجش و پایش نظام آموزش و پرورش در سال‌های اخیر نشان داد که مصوبه ۸۸۶ نیز در عمل نتوانسته با دقت و جامعیت این نظام ارزیابی را پوشش دهد. این



ناکارآمدی بخشی به ساختار نظام سنجش و پایش بازمی‌گردد، اما بخشی دیگر ریشه در ایرادهای مصوبه مذکور دارد که توجه به آنها در بازنگری مصوبه ضروری است. این بازنگری باید مطابق مقدمه مصوبه، پنج سال پس از تصویب یعنی در سال ۱۳۹۷ انجام پذیرد، اما تاکنون صورت نگرفته است. از این رو در گزارش پیش‌رو به بررسی ایرادهای وارد به این مصوبه پرداخته شده تا بستری برای بازنگری در آن فراهم آید. از سوی دیگر با توجه به اهمیت سالنامه‌های آماری به‌عنوان تنها مرجع رسمی ارائه داده‌های خام برای سنجش شاخص‌های تعیین‌شده، ضروری می‌رسد که این سالنامه‌ها نیز مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان با رفع نواقص، عملکرد سنج‌ها و ارزیابی متقن آنها از سوی پژوهشگران و سیاستگذاران را تضمین کند.

یافته‌های کلیدی:

بررسی‌های انجام شده نشان داد که ایرادهای کلی وارد به مصوبه ۸۸۶ شورای عالی آموزش و پرورش به شرح ذیل است:

- ۱ فقدان جامع‌نگری در شاخص‌های سنجش عملکرد نظام تعلیم و تربیت (همچون شاخص‌هایی برای سنجش میزان یادگیری با کیفیت دانش‌آموزان، عدالت آموزشی، وضعیت بهداشت و سلامت دانش‌آموزان و سنجش نسبت معلم به دانش‌آموز).
- ۲ ابهام در نسبت شاخص‌های تعیین‌شده با اسناد بالادستی (همچون اهداف در نظر گرفته شده در سند تحول بنیادین و برنامه‌های پنج‌ساله توسعه).
- ۳ عدم تعیین تکلیف شاخص‌های کیفی.
- ۴ تعیین مبهم استانداردها (همچون استاندارد درصد پذیرش دوره پیش‌دبستانی به میزان ۶۸ درصد).
- ۵ وجود اشتباهات علمی یا فنی در تعیین استانداردها (همچون استاندارد ضریب اشتغال واقعی کارکنان و سهم هزینه‌های آموزش و پرورش از کل تولید ناخالص داخلی (GDP)).
- ۶ عدم تفکیک منطقه‌ای (کشوری / شهری / روستایی / منطقه آموزشی) شاخص‌ها.
- ۷ عدم تفکیک استانداردهای دوره متوسطه دوم.
- ۸ شاخص‌های غیرهمسو با مسیر کارآمدی نظام آموزشی (همچون زمینه‌سازی برای افزایش مدارس غیردولتی، رواج مقاله‌نویسی و اولویت دادن به کمیّت به جای کیفیت در آموزش‌های ضمن خدمت).
- ۹ عدم تعریف ساز و کارهای سنجش برخی شاخص‌ها (همچون شاخص میزان رضایت شغلی کارکنان).
- ۱۰ هم‌پوشانی برخی از شاخص‌ها در یک مسئله (همچون شاخص‌های نرخ ارتقا، نرخ ماندگاری، نرخ تکرار پایه و نرخ گذر دانش‌آموزان).
- ۱۱ عدم توجه به شاخص‌هایی به‌جهت سنجش کارکردهای تربیتی و پرورشی.
- ۱۲ عدم توجه به شاخص‌هایی برای سنجش آموزش‌های مجازی و بهره‌مندی از تکنولوژی‌های نوظهور. بررسی سالنامه‌های آماری وزارت‌خانه آموزش و پرورش نیز مورد بررسی انتقادی قرار گرفت که ایرادات

مشهود در آن به شرح ذیل است:

۱ تأخیر در چاپ و انتشار.

۲ فقدان آمار بخش‌هایی از وزارتخانه آموزش و پرورش (مانند سازمان‌های تابعه آموزش و پرورش از قبیل سازمان نهضت سوادآموزی، سازمان مدارس غیردولتی، مرکز امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور).

۳ خطاهای محاسباتی.

۴ حذف آمارهای مرتبط با حوزه‌های ستادی.

۵ فقدان شاخص‌هایی برای سنجش حوزه‌های مهم همچون عدالت آموزشی و کیفیت آموزشی.

۶ حذف برخی از شاخص‌ها در برخی از سال‌های تحصیلی (مانند تعداد معلمان مأمور به مدارس غیردولتی یا آمار تفکیکی هنرآموزان فنی و حرفه‌ای و کاردانش).

۷ فقدان آمارهای مربوط به آموزش‌های مجازی و بهره‌مندی از تکنولوژی‌های نوظهور.

۸ نقص داده‌های مرتبط با برخی شاخص‌ها (مانند گزارش آمار نیروی انسانی بدون در نظر گرفتن آمار سازمان آموزش و پرورش استثنائی یا آمار کارکنان من‌های آمار نیروهای ستادی و مراکز تربیت معلم).

پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

بر اساس بررسی‌های فوق، پیشنهادهای ذیل ارائه شده است:

۹ ارتقای «مرکز سنجش و پایش کیفیت تحصیلی» به سازمانی مستقل ذیل شورای عالی آموزش و پرورش با ساختار هیئت امنایی.

۱۰ بازنگری در مصوبه ۸۸۶ شورای عالی آموزش و پرورش با هدف شاخص‌گذاری بر مبنای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و زیرنظام‌های آن.

۱۱ طراحی سازوکارهای مناسب برای رصد دو ساله تحولات نظام آموزش و پرورش و تربیت معلم در سطح ملی، منطقه‌ای، جهان اسلام و بین‌المللی.

۱۲ تعیین شاخص‌هایی به تفکیک حوزه‌های مهمی همچون کیفیت آموزشی، آموزش‌های مجازی، عدالت آموزشی و آموزش ساحت‌های شش‌گانه.

۱۳ تعیین شاخص‌هایی برای سنجش عملکرد نظام یاددهی - یادگیری.

۱۴ تدوین شاخص‌هایی برای سنجش کیفیت و کمیت عملکرد آموزش و پرورش در حوزه فرهنگی - تربیتی (پرورشی).

۱۵ جمع‌بندی سامانه‌های آماری وزارتخانه آموزش و پرورش و ارائه وضعیت برخط، دقیق و به‌روز شاخص‌ها.



۱. مقدمه

رصد و ارزیابی مستمر آموزش و پرورش ضامن ارتقای کیفیت آن و جبران عقب‌ماندگی‌ها و تقویت نقاط قوت است. این ارزیابی علاوه بر داده‌های خام، نیازمند شاخص‌هایی دقیق و استاندارد است که بتوان بر مبنای آن به رصد پیوسته پرداخت. اهمیت این شاخص‌ها و استانداردها آنجاست که از سویی عملکرد آموزش و پرورش را می‌سنجند و از سوی دیگر به‌عنوان هدفی، برنامه‌های آموزش و پرورش را جهت‌دهی می‌کند. در این راستا شورای عالی آموزش و پرورش به‌عنوان نهادی بالادستی در سیاستگذاری حوزه آموزش عمومی و متوسطه کشور در گام نخست «شاخص‌های ارزیابی نظام آموزش و پرورش» را در جلسه ۷۶۰، مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۳ و سپس در گام بعدی با اتکا به این مصوبه «نشانگرهای ارزشیابی نظام آموزش و پرورش و استانداردهای آن» را در جلسه ۸۸۶ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۵ به تصویب رساند. این در حالی است که نه‌تنها اسناد مذکور مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیستند، بلکه سند «اهداف دوره‌های تحصیلی» که در واقع باید نشانگرهای ارزشیابی بر اساس آنان تعیین شود، مصوب ۱۳۹۷/۲/۱۰ (طی جلسه ۹۵۲ شورای عالی آموزش و پرورش) می‌باشد؛ این بدین معناست که ترتیب منطقی‌ای بین این اسناد وجود ندارد و سند ۸۶۶ باید حداقل پس از تصویب سند اهداف دوره‌های تحصیلی در سال ۱۳۹۷ مورد بازنگری قرار گیرد تا بتوان شاخص‌هایی را برای سنجش میزان تحقق این اهداف ارائه دهد.

در هر حال اکنون پس از گذشت قریب به ۱۰ سال از مصوبه ۸۸۶، آنچه در عمل مشهود است نشان می‌دهد که سیاستگذار نتوانسته به اهداف خود نائل آید. در این خصوص علاوه بر مشکلات ساختاری و عدم رعایت ترتیب در اسناد بالادستی به نظر می‌رسد در اصل مصوبه ۸۸۶ نیز که در بردارنده نشانگرهای ارزشیابی است، اشکالاتی وجود دارد که مانع نیل به اهداف مورد نظر شده و با وجود اینکه در مقدمه مصوبه ۸۸۶ تأکید شده بود: «نشانگرهای ارزشیابی حداقل برای مدت ۵ سال معتبر و لازم‌الاجراست» تاکنون اصلاحی در این مصوبه صورت نپذیرفته است.

از سوی دیگر در سالنامه‌های آماری که منبع رسمی داده‌های خام برای سنجش نشانگرها هستند نیز ایرادها و خلأهایی جدی وجود دارد که عملاً محاسبه همان نشانگرهای تعیین شده را برای پژوهشگران با مشکل مواجه می‌سازد. از این رو در گزارش پیش‌رو تلاش شده است پس از ترسیم وضعیت مطلوب نظام سنجش و پایش کیفیت تحصیلی در اسناد بالادستی، به اصلی‌ترین چالش‌های محاسبه شاخص‌های ارزیابی نظام آموزش و پرورش بر اساس سالنامه‌های آماری اشاره شود که در صورت عدم اصلاح آنان ارائه هر شاخصی در مرحله محاسبه دچار مشکل خواهد بود.

۲. پیشنهاد سیاست‌گذاری:

در خصوص سنجش عملکرد نظام آموزش و پرورش و لزوم شاخص‌گذاری برای این مهم تأکیدی در اسناد بالادستی ذیل، آمده است:

- سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش (ابلاغیه مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۱)،
 - سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ آذرماه ۰۹۳۱)،
 - زیرنظام پژوهش و ارزشیابی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (مصوبه جلسه ۷۴۹ شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۹۱/۷/۳).
- مشخصاً دو مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش به شاخص‌گذاری در خصوص این مهم پرداخته است؛ این دو مصوبه عبارتند از:

- مصوبه شاخص‌های ارزیابی نظام آموزش و پرورش مصوب جلسه ۰۶۷ در تاریخ ۱۳۹۱/۱/۳۲
 - مصوبه نشانگرهای ارزشیابی نظام آموزش و پرورش و استانداردهای آن مصوب جلسه ۶۸۸ مورخ ۱۳۹۱/۷/۵۱
- در این گزارش ضمن بررسی ابعاد موضوع در اسناد بالادستی، مشخصاً به مصوبه ۶۸۸ و مفاد آن خواهیم پرداخت.

۳. ارزشیابی و پایش نظام آموزش و پرورش در اسناد بالادستی

اسناد بالادستی در حوزه آموزش و پرورش همواره تأکیدات فراوانی بر ارزشیابی و تدوین شاخص‌های کیفی و کمی برای ارزیابی فعالیت‌های آموزشی و پرورشی داشته‌اند. رهبر معظم انقلاب نیز بارها در رهنمودهای خود بر مسئله شاخص‌گذاری در فعالیت‌ها و برنامه‌های آموزش و پرورش تأکید داشته‌اند. در ادامه برخی از مهم‌ترین اسناد بالادستی و رهنمودهای رهبر انقلاب مرور شده است تا بستری برای تحلیل کلان آنها فراهم آید.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

- بیانات در ارتباط تصویری با رؤسا و مدیران آموزش و پرورش مورخ ۱۳۹۹/۶/۱۱: دو چیز مهم در [برنامه‌ی جامع اجرایی که تشکیلات آموزش و پرورش این برنامه را باید تنظیم بکند] لازم است: یکی زمان‌بندی، یکی شاخص پیشرفت. هم زمان‌بندی کنید، هم شاخص‌هایی وجود داشته باشد که بتوان معلوم کرد که چقدر این برنامه پیش رفته و بالاتر از این، بتوان معلوم کرد که این سند چقدر درست است؛ چون در میدان عمل، وقتی که شما نتیجه را نگاه کردید، فهمیدید پیشرفت داریم، می‌فهمیم که سند،



سند متقنی است؛ اگر دیدیم هر چه تلاش می‌کنیم به نتیجه نمی‌رسیم، می‌فهمیم یک عیبی در اصل کار وجود دارد، برمی‌گردیم آن عیب را اصلاح می‌کنیم.

■ **بیانات در دیدار معلمان ۱۴۰۱/۲/۲۱:** برای سنجش پیشرفت [سند تحول بنیادین آموزش و پرورش] باید شاخص معین بشود؛ اینکه بگویند این قدر در صد از این سند عمل شد و مانند اینها، این نمی‌شود؛ شاخص کمی به وجود بیاید، مشخص بشود که چقدر پیشرفت شده در این سند.

❖ **سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش (ابلاغی مقام معظم رهبری اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۲)**

■ **بند ۳-۵:** «استقرار نظام ارزیابی و سنجش صلاحیت‌های عمومی، تخصصی و حرفه‌ای معلمان مبتنی بر شاخص‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و تربیتی برای ارتقا.»

■ **بند ۱۳:** «استقرار نظام جامع رصد، نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزش و پرورش.»

❖ **سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ آذرماه سال ۱۳۹۰)**

■ **راهکار ۷-۲:** «استانداردسازی و تدوین شاخص‌های کیفی برای ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی مدارس.»

■ **راهکار ۲-۱۰:** «استقرار نظام سنجش صلاحیت‌های عمومی، تخصصی و حرفه‌ای، تعیین ملاک‌های ارزیابی و ارتقای مرتبه (نظام رتبه‌بندی) علمی و تربیتی معلمان و تقویت انگیزه ارتقای شغلی در آنان براساس نظام معیار اسلامی.»

■ **راهکار ۴-۱۱:** «ایجاد نظام ارزیابی صلاحیت معلمان شامل شایستگی‌های اخلاقی، اعتقادی، انقلابی، حرفه‌ای و تخصصی و ارزشیابی متناسب با مبانی و اهداف سند تحول راهبردی.»

■ **راهکار ۱-۱۹:** «ایجاد سازوکارهای قانونی و ساختار مناسب برای سنجش و ارزشیابی عملکرد نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.»

■ **بند ۱۱ «از فصل ۸:** «سیاستگذاری و تصمیم‌گیری کلان و نیز ارزیابی و نظارت راهبردی فرایند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی برپایه این سند بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد.»

❖ **زیر نظام پژوهش و ارزشیابی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (مصوبه جلسه ۹۴۷ شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۹۶/۷/۳)**

■ **بند ۳ «اهداف:** «رصد مستمر و سنجش کیفیت زمینه‌ها، درون داده‌ها، فرایندها و برون داده‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در ساحت‌ها و زیر نظام‌های مختلف در سطح ملی و بین‌المللی.»

■ **بند ۱ «از بخش «ب» اقدامات اساسی:** «مرکز سنجش آموزش و پرورش با هماهنگی سازمان اداری

و استخدامی کشور، به مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش برای رصد و ارزشیابی عملکرد نظام تربیت رسمی عمومی در زیرنظام‌ها و ساحت‌های شش‌گانه تربیتی، تغییر یابد و ضمن تقویت، مناسبات آن با پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، تعریف و تبیین شود.

■ **بند «۱» از بخش «ج» اقدامات اساسی:** ارزشیابی بیرونی عملکرد نظام تربیت رسمی عمومی در حوزه ساحت‌های شش‌گانه تربیت و زیرنظام‌های آن، زیر نظر شورای عالی آموزش و پرورش در دوره‌های زمانی سه تا پنج‌ساله اجرا شود.

■ **بند «۲» از بخش «ج» اقدامات اساسی:** از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان، دانشگاه‌ها و مراکز علمی پژوهشی غیردولتی برای ارتقای کیفیت و تضمین کیفیت جریان تربیت رسمی عمومی در ارزشیابی عملکرد آموزش و پرورش استفاده شود.

■ **ردیف ۱ ذیل راهکار ۷-۲:** طراحی الگوی ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی مدارس و تدوین عوامل، ملاک‌ها، شاخص‌ها و معیارهای معتبر و استاندارد مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی.

■ **ردیف ۳ ذیل راهکار ۷-۲:** رصد و ارزشیابی مستمر فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی مدارس به صورت سالیانه براساس شاخص‌های مصوب.

■ **ردیف ۴ از راهکار ۷-۱۱:** طراحی و تدوین ملاک‌ها و شرایط رتبه‌بندی و ارتقای معلمان و کارشناسان و انتخاب معلمان نمونه با ملحوظ کردن فعالیت‌های پژوهشی.

■ **ردیف ۱ از راهکار ۹-۱۱:** طراحی ساز و کارهای مناسب برای رصد دو ساله تحولات نظام آموزش و پرورش و تربیت معلم در سطح ملی، منطقه‌ای، جهان اسلام و بین‌المللی تا پایان سال اول برنامه ششم توسعه.

■ **ردیف ۱ از راهکار ۱-۱۹:** بازنگری مأموریت مرکز سنجش آموزش و پرورش و تبدیل آن به مرکز ملی ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش.

■ **ردیف ۲ از راهکار ۱-۱۹:** طراحی نظام و تدوین ملاک‌ها، شاخص‌ها و معیارهای ارزشیابی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.

■ **ردیف ۳ از راهکار ۱-۱۹:** استفاده بهینه از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان و نهادهای غیردولتی در حوزه ارزشیابی نظام تعلیم و تربیت و حمایت از آنان با رعایت مقررات مربوط.

■ **ردیف ۴ از راهکار ۱-۱۹:** ارزشیابی مستمر عملکرد نظام آموزش و پرورش و پایش کیفیت آن در حوزه زیرنظام‌ها و ساحت‌های تربیت و تنظیم و ارائه گزارش در هر سه سال.

■ **ردیف ۵ از راهکار ۱-۱۹:** طراحی ساز و کارهای لازم برای اشاعه، کاربست و مستندسازی نتایج ارزشیابی نظام تربیت رسمی عمومی با استفاده از سامانه‌های موجود.

■ **ردیف ۲ از راهکار ۴-۲۲:** ارزیابی برنامه‌های راهبردی و دراز مدت آموزش و پرورش براساس یافته‌های آینده‌پژوهی.



- **ردیف ۳ از راهکار ۱-۲۳:** رصد و ارزیابی برنامه‌های درسی دانش آموزان و تربیت معلم با رویکرد پژوهش محوری تا سطح مدرسه.
- **بند «د» از استلزامات:** نظارت بر حسن اجرای برنامه زیر نظام و ارزشیابی آن بر عهده شورای عالی آموزش و پرورش می‌باشد.

■ شاخص‌های ارزشیابی نظام آموزش و پرورش (مصوب ۷۶۰ شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۳۰)

■ **بندهای «الف و ب» استلزامات:** با عنایت به اینکه ارزشیابی نظام آموزش و پرورش باید در دو سطح درونی و بیرونی انجام شود، ضرورت دارد ساز و کارهای مناسب به منظور اجرای مطلوب ارزشیابی براساس شاخص‌های این مجموعه به شرح زیر فراهم شود:

الف) وزارت آموزش و پرورش موظف است:

۱. آیین‌نامه و دستورالعمل‌های اجرایی لازم را حداکثر ظرف مدت سه ماه پس از ابلاغ این مصوبه تهیه نماید.
۲. برنامه‌های آموزش نیروی انسانی و اقدام‌های لازم برای فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی مناسب را پیش‌بینی و اجرا کند.
۳. منابع، اعتبارات و تسهیلات مورد نیاز را برای اجرای مطلوب این مصوبه تأمین نماید.
۴. گزارش ارزشیابی درونی را در دوره‌های زمانی دو ساله به دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش ارائه نماید.

۵. در ارائه داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز برای انجام ارزشیابی بیرونی، نهایت همکاری را با دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش به عمل آورد.

ب) دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش موظف است:

۱. پس از گذشت دو سال از اجرای این مصوبه نسبت به اعتباریابی شاخص‌ها و ارزیابی از روند و نحوه اجرای آن اقدام نموده و نتایج حاصله را به شورای عالی آموزش و پرورش گزارش نماید.
۲. گزارش جامعی از ارزشیابی عملکرد نظام آموزش و پرورش بر مبنای شاخص‌های این مصوبه در دوره‌های زمانی سه ساله تهیه و به شورای عالی آموزش و پرورش ارائه کند.
۳. منابع و اعتبارات لازم را برای اعتباریابی شاخص‌ها و اجرای ارزشیابی تأمین نماید.

■ نشانگرهای ارزشیابی نظام آموزش و پرورش و استانداردهای آن (مصوبه ۸۸۶ شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۵)

- **بند «الف» ماده واحده:** وزارت آموزش و پرورش موظف است: براساس شاخص‌های ارزشیابی نظام

آموزش و پرورش، مصوب ۷۶۰، تاریخ ۸۶/۱۱/۲۳ شورای عالی آموزش و پرورش، با اولویت شاخص‌ها و استانداردهای «چهل و سه گانه» پیوست، نظام آموزش و پرورش را به صورت مستمر و نظام‌مند، با طراحی ساختارها و سازوکارهای لازم و رعایت موارد زیر ارزشیابی کند:

۱. استانداردهای سایر شاخص‌های مصوب را با بهره‌گیری از مفاد اسناد بالادستی، یافته‌های علمی - پژوهشی و مطالعات تطبیقی، برای دوره‌های زمانی پنج‌ساله، تدوین و پیشنهاد نماید. این استانداردها پس از بررسی و تصویب در کمیسیون برنامه‌های توسعه و منابع انسانی شورای عالی آموزش و پرورش، با امضای وزیر آموزش و پرورش برای اجرای ابلاغ خواهد شد.

۲. برنامه‌های کارآمد و اثربخش را برای آموزش منابع انسانی، اصلاح فرهنگ و رفتار سازمانی و اشاعه نظام‌مند استانداردهای ارزشیابی با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین تدوین و اجرا کرده و برای دستیابی به استانداردهای مصوب در دوره زمانی پنج‌ساله، تدابیر لازم را اتخاذ نماید.

۳. منابع مالی و انسانی و نیز تسهیلات و امکانات مورد نیاز را برای اجرای بایسته شاخص‌ها و استانداردها، تأمین و در برنامه‌های سالانه خود منظور نماید.

۴. ارزشیابی تحلیلی عملکرد خود را بر اساس شاخص‌ها و استانداردهای مصوب، به همراه برنامه‌های پیشنهادی برای ارتقای شاخص‌ها و رسیدن به وضع مطلوب، هر سال به شورای عالی آموزش و پرورش گزارش کند.

۵. با توجه به کیفی بودن شاخص‌های شماره ۳۰ الی ۴۳، لازم است با استفاده از روش‌های علمی مناسب، ابزارهای متناسب با شاخص‌های مربوط را طراحی و بر اساس آن، نظام آموزش و پرورش را ارزشیابی و به شورای عالی آموزش و پرورش، گزارش کند. بدیهی است نتیجه ارزشیابی سال اول به عنوان پایه محسوب شده و مبنای قضاوت برای ارزشیابی در سال‌های بعدی قرار خواهد گرفت.

۶. دستورالعمل‌های اجرایی این مصوبه را (با تأکید بر تعیین مرجع ارزشیابی، مدل اجرا و شیوه‌های ارزشیابی، ابزارهای سنجش کارآمد، برنامه‌های عملیاتی و تعیین محدوده زمانی) ظرف مدت سه ماه، تدوین و ابلاغ نماید.

■ **بند «ب» ماده واحده:** دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش موظف است:

ضمن تحلیل و بررسی گزارش‌های عملکرد سالانه وزارت آموزش و پرورش، با استفاده از ظرفیت و امکانات درون و برون سازمانی و بر اساس استانداردهای مصوب و برنامه‌های عملیاتی، هر سه سال یک‌بار گزارش جامعی از ارزشیابی نظام آموزش و پرورش را به شورای عالی آموزش و پرورش ارائه دهد.

فرایند بررسی و تصویب استانداردهای ارزشیابی نظام آموزش و پرورش (موضوع بند «ب» ماده (۱)) را به شورای عالی آموزش و پرورش گزارش کند.



تحلیلی بر رصد و پایش نظام آموزش و پرورش در اسناد بالادستی

بررسی اسناد فوق نشان می‌دهد که در قالب عبارات‌های متعدد بر تدوین شاخص‌هایی ویژه سنجش و ارزیابی ابعاد مختلف آموزش و پرورش تأکید شده، هر چند که حوزه‌های مورد رصد به دقت مشخص نشده و تنها به عناوین کلی بسنده شده است. در حالت کلی موارد تأکید شده جهت سنجش و ارزیابی را به شرح ذیل برشمرد:

۱. سنجش و ارزشیابی عملکرد نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (در دو سطح درونی و بیرونی).
۲. ارزیابی و نظارت راهبردی فرایند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.
۳. ارزیابی برنامه‌های راهبردی و دراز مدت آموزش و پرورش.
۴. استقرار نظام سنجش صلاحیت‌های عمومی، تخصصی و حرفه‌ای معلمان.
۵. رصد تحولات نظام آموزش و پرورش و تربیت معلم در سطح ملی، منطقه‌ای، جهان اسلام و بین‌المللی.
۶. ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی مدارس.
۷. رصد و ارزیابی برنامه‌های درسی دانش‌آموزان و تربیت معلم.
۸. رصد مستمر و سنجش کیفیت زمینه‌ها، درون‌دادها، فرایندها و برون‌دادهای نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.

برای سنجش موارد فوق، اسناد بالادستی وظایفی را بر عهده وزارت آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش گذاشته‌اند تا طی آنان ضمن شاخص‌گذاری برای سنجش هر مورد، بر رصد مستمر این موارد در بازه‌های عمدتاً سه تا پنج‌ساله نیز نظارت کنند.

برای سنجش و ارزیابی سایر ابعاد و سطوح نیز افزون بر ارزیابی و نظارت راهبردی فرایند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی که بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی گذاشته شده و ارزشیابی بیرونی عملکرد نظام تربیت رسمی عمومی در حوزه ساحت‌های شش‌گانه تربیت و زیرنظام‌های آنکه وظیفه شورای عالی آموزش و پرورش تعریف شده است، سیاستگذار معین کرده تا «مرکز سنجش آموزش و پرورش» به «مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش» تبدیل شود. هر چند که تاکنون صرفاً تغییر نام این مرکز انجام شده است و بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد هنوز این مرکز از نظر ساختار، تشکیلات و نیروی انسانی متخصص نتوانسته به جایگاه شایسته خود برای رصد و ارزشیابی عملکرد نظام تربیت رسمی عمومی در زیرنظام‌ها و ساحت‌های شش‌گانه تربیتی تبدیل شود.

در زمینه ارزیابی و نظارت راهبردی فرایند تحول بنیادین، با اینکه نزدیک به ۱۰ سال از تصویب سند مربوطه گذشته، اما تاکنون شورای عالی آموزش و پرورش به تدوین و تصویب شاخص‌های مورد نیاز این امر نپرداخته است. از طرف دیگر، در خصوص تعیین شاخص‌هایی برای سنجش عملکرد آموزش و پرورش نیز تنها دو مصوبه یعنی «شاخص‌های ارزشیابی نظام آموزش و پرورش» در سال ۱۳۸۶ و با اتکاب آن، سند «نشانگرهای ارزشیابی نظام آموزش و پرورش و استانداردهای آن» در سال ۱۳۹۲ به تصویب رسیده‌اند.

مصوبه ۷۶۰ با اتخاذ رویکرد مبتنی بر نظر متخصصان و الگوی اعتبارسنجی، صرفاً به ذکر شاخص‌های عناصر مختلف نظام آموزشی در سه دسته «درون داد»، «فرایند» و «برون داد» بسنده کرده و هیچ‌گونه تعریف و استاندارد برای آنها ارائه نکرده است. مصوبه ۸۸۶ نیز تنها در بردارنده برخی از شاخص‌های تعریف شده در مصوبه ۷۶۰ است و در مقدمه آن با اشاره به اعتبار پنج‌ساله، آموزش و پرورش مکلف به تکمیل استانداردها و آماده‌سازی بسترهای رصد و پایش شاخص‌ها شده که این تکلیف نیز تا به امروز عملکرد مشخصی نداشته است.

در مجموع می‌توان گفت اسناد بالادستی هرچند بر رصد و پایش کارکردهای نظام آموزش و پرورش رسمی عمومی تأکید داشته‌اند، اما تنها در حد کلی‌گویی بوده و شرح و وظایف دستگاه‌ها، رویکردهای سنجش و پایش، موارد و حوزه‌های لازم برای رصد و مهم‌تر از همه شاخص‌های لازم برای سنجش به دقت تعیین نشده است.

مهم‌تر از همه آنکه مصوبات موجود، هیچ‌کدام مبتنی بر «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» و «سند اهداف دوره‌های تحصیلی» نیستند و در نتیجه برای ارزیابی ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت و زیرنظام‌های آن کفایت نمی‌کنند. سند تحول بنیادین و تحقق آن ایجاب می‌کند که شاخص‌های ارزیابی ویژه خود را داشته باشد و نمی‌توان انتظار تحول بنیادین در محتوا و ساختار آموزش و پرورش را داشت، اما همچنان بر همان سیاق سابق به ارزیابی آن پرداخت.

اعتبار مصوبه ۸۸۶ نیز آن‌طور که در مقدمه سند آمده تنها به مدت پنج‌سال یعنی تا سال ۱۳۹۷ بوده و با توجه به نواقص و مشکلات عدیده‌ای که در آن می‌باشد نیازمند بازنگری است؛ به‌ویژه آنکه شاخص‌های ارزیابی باید تابعی از اهداف دوره‌های تحصیلی باشند و اکنون اگرچه با تأخیر، اما در سال ۱۳۹۷ اهداف دوره‌های تحصیلی مبتنی بر سند تحول بنیادین به تصویب رسیده است که اولی آن است مصوبه ۸۸۶ نیز مبتنی بر این سند بازنگری شود؛ لذا بدین منظور در ادامه به بررسی نواقص و مشکلات سند ۸۸۶ برای رعایت در بازنگری‌های آتی پرداخته می‌شود.

۴. بررسی مصوبه ۸۸۶ شورای عالی آموزش و پرورش

«نشانه‌های ارزشیابی نظام آموزش و پرورش و استانداردهای آن» عنوان مصوبه ۸۸۶ شورای عالی آموزش و پرورش است که در ۱۳۹۲/۷/۱۵ به تصویب رسیده و مطابق جزء «۴» بند «الف» ماده واحده این مصوبه، آموزش و پرورش مکلف شده است تا ارزشیابی تحلیلی عملکرد خود را بر اساس شاخص‌ها و استانداردهای مصوب، هر سال به شورای عالی آموزش و پرورش گزارش کند. عدم موفقیت این مصوبه را می‌توان علاوه بر مشکلات ساختاری نظام سنجش و پایش و ناتوانی آن در محاسبه برخی از شاخص‌ها، در مشکلات و نواقص مصوبه دانست که توجه به آنها برای بازاندیشی در مصوبه یا تقریر هر مصوبه دیگری ضروری است. از این‌رو در ادامه به بخش‌هایی از این اشکالات پرداخته شده است:



۱- فقدان جامع‌نگری در شاخص‌های سنجش عملکرد نظام تعلیم و تربیت

در مصوبه ۸۸۶ هر چند که ۴۳ شاخص (۲۹ شاخص کمی و ۱۴ شاخص کیفی) بر شمرده شده است، اما جای شاخص‌هایی برای سنجش همه‌جانبه عملکرد نظام آموزش و پرورش در ساحت‌های شش‌گانه تربیتی و زیرنظام‌ها خالی است. عدم تعیین دقیق نحوه سنجش ۱۴ شاخص کیفی نیز این مشکل را دوچندان کرده است. برای مثال:

- هیچ شاخصی برای سنجش میزان موفقیت آموزش و پرورش در یادگیری با کیفیت دانش‌آموزان ارائه نشده و صرفاً شاخص‌هایی ظاهری همچون «ترخ ارتقای دانش‌آموزان» و «ترخ فارغ‌التحصیل دانش‌آموزان» تعیین شده است که این شاخص‌ها با توجه به ضعف‌ها و نواقص نظام سنجش و امتحانات، نمی‌تواند نشان‌دهنده عمق و کیفیت آموزش‌های ارائه شده باشند.

- در حوزه سنجش نسبت معلم به دانش‌آموز نیز نمی‌توان شاخص مناسبی در گزارش دید و تنها شاخص نزدیک به این مهم «نسبت دانش‌آموزان به کل کارکنان آموزشی» است که شاخصی غیر دقیق بوده و با ادغام همه کارکنان رسمی، پیمانی، قراردادی و... مشغول خدمت در مدارس و واحدهای آموزشی، اعم از مدیر، معاونان آموزشی، اجرایی، فنی و فناوری، معلم متصدی آزمایشگاه و کارگاه، سرپرست بخش و کتابدار بیشتر موجب کژفهمی در سنجش دقیق نیازهای نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش می‌شود و هیچ کمکی در شفافیت وضعیت نیروی انسانی و نیازهای واقعی، به سیاستگذاران و مدیران اجرایی نمی‌دهد.
- فقدان شاخص‌هایی برای ارزیابی امکانات مدارس و وضعیت دانش‌آموزان از نظر تربیت بدنی و سلامت جسمانی و روانی نیز از دیگری نواقص این مصوبه است.

۲- ابهام در نسبت شاخص‌های تعیین شده با اسناد بالادستی

از آنجاکه حرکت نظام آموزش و پرورش باید بر ریل اسناد بالادستی صورت پذیرد، لازم است سنجش عملکرد این نظام نیز منبعث از اسناد بالادستی به‌ویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و زیرنظام‌های آن باشد. از سوی دیگر شاخص‌های در نظر گرفته شده و حرکت به سوی استانداردهای آنها به‌عنوان هدفی برای نظام آموزش و پرورش می‌تواند مبنایی برای تصویب اسنادی همچون برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و قوانین بودجه سالیانه قرار گیرد، اما مصوبه ۸۸۶ نه تنها بر مبنای سند تحول بنیادین نوشته نشده، بلکه خود نیز مبنای اسناد برنامه‌ای و بودجه‌ای قرار نگرفته و عملاً شاخص‌ها و استانداردهای آن شکلی تزئینی پیدا کرده تا حدی که گاهی شاخص‌های در نظر گرفته شده در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه در تناقض با استانداردهای این سند است که از این دست می‌توان به شاخص در نظر گرفته شده برای «نسبت دانش‌آموزان شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش به کل دانش‌آموزان دوره متوسطه» اشاره داشت که در این سند کاردانش ۲۸ درصد، فنی و حرفه‌ای ۲۰/۲۶ درصد و کل ۴۸/۲۶ درصد تعیین شده، اما در جدول ۱۲ ماده (۶۵) قانون برنامه ششم توسعه سهم سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ به ترتیب ۳۸، ۴۰، ۴۳، ۴۷ و در نهایت ۵۰ بیان شده است.

۳- عدم تعیین تکلیف شاخص‌های کیفی

یکی از اصلی‌ترین اشکالات مصوبه ۸۸۶ را می‌توان عدم تعریف دقیق استانداردها و روش‌های اندازه‌گیری

شاخص‌هایی دانست که بر آنها در این مصوبه عنوان «کیفی» نهاده شده است. مطابق جزء «۵» بند «الف» ماده واحده این مصوبه، وظیفه تعیین سازو کار سنجش این شاخص‌ها به عهده آموزش و پرورش نهاده شده است، در حالی که شاخص‌های مذکور نیازمند کاری در شأن و وظیفه شورای عالی آموزش و پرورش هستند و این گونه کردن از آنها در واقع چشم بستن و نادیده انگاشتن آنان است. برای مثال شاخص ۴۳ تحت عنوان «نسبت مدارس استاندارد به کل مدارس» کاملاً نیازمند تعیین استانداردهای لازم و حدود آن از سوی شورای عالی است. گواه نادرستی واگذاری این امر مهم به آموزش و پرورش همین است که بعد از گذشت ۹ سال از تصویب سند، هیچ استاندارد و روش اندازه‌گیری در حوزه‌های کیفی به صورت عمومی مصوب و منتشر نشده است.

۴- تعیین مبهم استانداردها

استانداردهای تعیین شده برای شاخص‌های ۱ تا ۲۹ علاوه بر آنکه عملکرد نظام آموزش و پرورش را مشخص می‌کند، نوعی هدف‌گذاری برای طراحی برنامه‌های عملیاتی نیز است. با وجود این اهمیت، به نظر می‌رسد در برخی از موارد، استانداردها به دقت و همه‌جانبه تعیین نشده و یا دلیل انتخاب میزان برخی از شاخص‌ها شفاف نیست و در تفسیر شاخص نیز بدان پرداخته نشده است. برای مثال در خصوص شاخص «درصد پذیرش دوره پیش‌دبستانی» در حالی که در تعریف استاندارد بر مطلوب بودن افزایش شاخص تأکید شده که شاخص برای چهار ساله‌ها ۵۰ درصد، پنج‌ساله‌ها ۸۵ درصد و در کل ۶۸ درصد تعریف شده است. حال می‌توان در برابر هر استاندارد علامت سؤال گذاشته و از چرایی بیشتر یا کمتر تعیین نشدن آنها پرسید و یک سؤال مهم‌تر، اگر عملکرد آموزش و پرورش از این استاندارد عبور کرد و مثلاً پذیرش کل به بالای ۶۸ درصد رسید چه باید کرد؟ آیا باید بخشی از دانش‌آموزان را نپذیرفت؟ این مسئله در خصوص سایر شاخص‌های مشابه نیز صادق است.

۵- وجود اشتباهات علمی یافنی در تعیین استانداردها

علاوه بر ابهام در تعیین استانداردها به نظر می‌رسد در تعیین برخی از استانداردها نیز دقت کافی نشده و از این رو اشتباهاتی رخ داده که در ذیل به بخشی از آنها اشاره شده است:

■ در تفسیر شاخص «ضریب اشتغال واقعی کارکنان» که از تقسیم «مجموع ساعات اشتغال کارکنان موظف واجد شرایط هر فعالیت / گروه تدریس» بر «مجموع ساعات مورد نیاز آن فعالیت / گروه تدریس» به دست می‌آید، گفته شده که نزدیک شدن این شاخص به عدد ۱ مطلوب است، ولی استانداردهای تعیین شده برای آن در پایه‌های مختلف اعدادی به مراتب بالاتر از ۱ (دوره ابتدایی ۵، ۱، دوره متوسطه اول و دوم ۲ و کل دوره‌ها ۱،۸) هستند. این بدین معناست که برای مثال در متوسطه اول باید مجموع ساعات اشتغال کارکنان موظف دو برابر مجموع ساعات مورد نیاز آن فعالیت / گروه تدریس باشد!

■ درباره شاخص «سهم هزینه‌های آموزش و پرورش از کل تولید ناخالص داخلی (GDP)» استاندارد هر کدام از دوره‌های ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم و حتی کل دوره‌ها برابر با ۲/۹ درصد تعیین شده است، در حالی که به نظر می‌رسد با توجه به یکسان نبودن هزینه‌های آموزش و پژوهش در هر مقطع، برابر بودن این سهم برای هر مقطع، منطقی نمی‌باشد و همچنین استاندارد کل دوره‌ها نیز نمی‌تواند برابر با هر دوره باشد، بلکه باید برابر



با مجموع دوره‌های مختلف تعیین شود.

■ در شاخص «سرانه دانش آموزی» نه تنها واحد سنجش این شاخص به صورت «ریال» بیان شده، بلکه نوع تعیین میزان به شکلی می‌باشد که با گذشت سال‌ها کاربرد خود را از دست داده است. در سال تصویب مصوبه (۱۳۹۲) عدد ۵۸۰۰ هزار ریال برای دوره ابتدایی، ۷۵۰۰ برای دوره متوسطه اول، ۹۶۰۰ برای دوره متوسطه دوم و ۱۴۰۰۰ برای هنرستان تعیین شده که با توجه به تغییرات ارزش پول ملی، تدوین استاندارد به این شکل به هیچ‌عنوان قابل بهره‌برداری نیست و لازم است به شکلی قابل استفاده، هدف‌گذاری شود.

۶- عدم تفکیک منطقه‌ای (کشوری / شهری / روستایی / منطقه آموزشی) شاخص‌ها

برخی از استانداردهای تعیین شده برای شاخص‌های مذکور در مصوبه ۸۸۶ در حالی فاقد تفکیک منطقه‌ای است که شرایط شهر و روستا تفاوت‌های بسیاری دارد و نمی‌توان یک استاندارد واحد را برای همه آنها در نظر گرفت و یا در نظر گرفتن استاندارد برای میانگین کشوری موجب عدم درک واقعیت میدان خواهد شد و حتی می‌تواند موجبات بی‌عدالتی ساختاری را ایجاد کند. برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

■ در شاخص «نسبت دانش‌آموزان به کلاس‌های درس دایر (تراکم کلاسی)» استاندارد ده‌ها برای دوره‌های مختلف به صورت میانگین برای کل کشور تعیین شده است که امکان ارزیابی وضعیت موجود مدارس پرتراکم در شهرهای پرجمعیت و مدارس کم‌تراکم در شهرهای کم‌جمعیت و روستاها فراهم نمی‌آورد. با وجود اینکه در تبصره‌های ذیل جدول این شاخص قید شده که «این شاخص در سه سطح (۱) کلان‌شهرها، (۲) شهرهای متوسط و (۳) شهرهای کم‌جمعیت و روستاها به صورت جدا از هم محاسبه خواهد شد». بنابراین لازم است استانداردهایی به تفکیک در این زمینه‌ها تعیین و ارائه شود، زیرا در بسیاری از مناطق روستایی جمعیت پایین‌تر از حد استاندارد است و نیازمند تعریف جداگانه است.

■ در خصوص شاخص «نسبت مدارس دو نوبته به کل مدارس» که بیانگر سهم مدارس دونوبته از کل مدارس کشور است، استاندارد برای همه دوره‌ها ۱۰ درصد تعیین شده، اما در حال حاضر هر چند اطلاعات منتشر شده‌ای از میانگین کشوری نداریم، اما آمارهای اعلامی از سوی مدیران آموزش و پرورش نشان می‌دهد که نسبت مدارس دو شیفته به کل مدارس در برخی مناطق طی سال‌های اخیر قریب به ۹۰ درصد بوده است و با توجه به جمعیت دانش‌آموزان در آن منطقه گریزی نیز از آن نیست. برای مثال مدیر کل آموزش و پرورش استان قم در سال ۱۳۹۷ بیان داشته که «۸۷ درصد مدارس دوره ابتدایی استان قم دو شیفته است» [۱]. مشابه این وضعیت در استان تهران [۲] و البرز [۳] نیز گزارش شده است. این مسئله نشان می‌دهد که استاندارد ذکر شده مناسب سنجش وضعیت مناطق مختلف کشور نیست و باید به دقت و ناظر به شهر و روستا و جمعیت بافت هر منطقه تعیین شود.

■ استاندارد شاخص «نسبت دانش‌آموزان مدارس غیردولتی به کل دانش‌آموزان» به صورت کشوری مشخص شده است و برای مثال در دوره ابتدایی این شاخص ۱۰ درصد است. تعیین این استاندارد در حالتی کلی و محاسبه شاخص به شکل تقسیم مجموع دانش‌آموزان مدارس غیردولتی به کل دانش‌آموزان عملانی می‌تواند

معیاری برای سنجش منطقه‌ای گسترش مدارس غیردولتی باشد، بلکه موجب توسعه نامتوازن مدارس غیردولتی می‌شود و حاصل آن حضور چند مدرسه غیردولتی در یک منطقه و فقدان مدرسه غیردولتی در منطقه‌ای دیگر است. برای نمونه در حال حاضر نسبت دانش‌آموزان مدارس ابتدایی غیردولتی به کل دانش‌آموزان ابتدایی (بدون احتساب بزرگسال و استثنائی) در کل کشور ۱۳/۵۴ درصد است، در حالی که این عدد در تهران ۱۷،۴۱ درصد، در سیستان و بلوچستان ۷/۴۱ درصد، در ایلام ۱۲/۰۴ درصد و در کردستان ۷/۶۲ درصد است.

■ شاخص «نسبت کارکنان آموزشی واجد شرایط تخصصی به کل کارکنان» که از تقسیم تعداد کارکنان واجد شرایط تخصصی به تعداد کل کارکنان به دست می‌آید، جدای از نقدی که پیش از این بدان وارد شد، به صورت کلان نیز تعیین استاندارد شده و برای وضع موجود ۷۵ درصد معین شده است. این در حالی است که می‌توان همه ۷۵ درصد وضع موجود، در مراکز استان‌ها تجمیع و همه ۲۵ درصد به مناطق محروم و کم‌برخوردار تخصیص داده شود. صورت عادلانه این استاندارد آن بود که به صورت منطقه‌ای تعیین شود تا ۷۵ درصد کارکنان هر منطقه واجد شرایط تخصصی باشند.

۷ عدم تفکیک استانداردهای دوره متوسطه دوم

در برخی از شاخص‌ها، استاندارد دوره دوم متوسطه به صورت کلی آمده است و شاخه‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و کاردانش از یکدیگر تفکیک نشده‌اند؛ از جمله می‌توان به «نسبت دانش‌آموزان به کل کارکنان آموزشی»، «نسبت دانش‌آموزان مدارس دولتی به کل دانش‌آموزان»، «ضریب اشتغال واقعی کارکنان» و «نسبت مدارس دونوبته به کل مدارس» اشاره کرد. این عدم تفکیک موجب می‌شود سنجش عملکرد این مدارس ناقص ماند، به‌ویژه آنکه شرایط آموزش هر کدام از این شاخه‌ها، به‌خصوص دوره‌های مهارتی کاملاً با یکدیگر متفاوت است.

۸ شاخص‌های غیرهمسو با مسیر کارآمدی نظام آموزشی

همان‌گونه که پیشتر نیز توضیح داده شد، در نظر گرفتن برخی از شاخص‌ها و استانداردها تنها به‌عنوان سنجش‌های برای بررسی عملکرد نخواهد بود، بلکه نوعی ریل‌گذاری برای حرکت نظام آموزشی به سمت آنهاست. از این رو بررسی برخی از شاخص‌های آمده در مصوبه ۸۸۶ نشان می‌دهد که این شاخص‌ها در مسیر کارآمدی نظام آموزشی نیستند؛ برای نمونه:

■ **زمینه‌سازی برای افزایش مدارس غیردولتی:** وجود شاخص «نسبت دانش‌آموزان مدارس غیردولتی به کل دانش‌آموزان» و تعیین استاندارد ۱۰ درصد برای دوره ابتدایی، ۱۲ درصد برای دوره متوسطه اول، ۱۸ درصد برای دوره متوسطه دوم و ۱۳ درصد برای کل دوره‌ها در واقع نشان‌دهنده تلاش برای گسترش این مدارس است. به‌ویژه آنکه در تفسیر این بخش آمده: «بالا تر بودن این شاخص مطلوب است. زیرا امکان استفاده بیشتر از ظرفیت و مشارکت عملی بخش‌های غیردولتی در آموزش و پرورش را به وجود می‌آورد». مشخص نیست چرا اساساً افزایش مدارس غیردولتی باید سنجش‌های برای میزان عملکرد آموزش و پرورش تلقی شود،



آن هم در سندی که تنها ۴۳ شاخص را در بر گرفته است.

۱۰ اولویت دادن به کمیت به جای کیفیت در آموزش‌های ضمن خدمت: اهمیت دادن به شاخص‌هایی همچون «میانگین ساعات آموزشی ضمن خدمت سالیانه کارکنان» که از طریق تقسیم مجموع ساعات دوره‌های آموزشی ضمن خدمت کارکنان در طول یک سال بر تعداد کل کارکنان به دست می‌آید، هر چند که به ذات مثبت است، اما موجب سطحی‌نگری در آموزش‌ها و توجه به کمیت به جای کیفیت می‌شود. حاصل این تمرکز را امروز می‌توانیم در فروش ساعات آموزش ضمن خدمت در شبکه‌های اجتماعی مشاهده کرد. در واقع به جای آنکه شاخص‌هایی برای سنجش اثربخشی آزمون‌های ضمن خدمت قرار دهیم با صرف توجه به میزان ساعات ارائه شده، کمیت را جایگزین کیفیت کرده‌ایم.

۱۱ رواج مقاله‌نویسی: مقاله‌محوری بدون توجه به نیازهای واقعی کشور و حل مسائل مبتلابه از سیاست‌هایی است که به اذعان مطالعات کارشناسی، [۴] شکست خورده و تبعات آن موجب افت کارآمدی نظام دانشگاهی و غفلت از نیازها و مسائل اساسی کشور در مطالعات علمی، شده است. حال رواج این روحیه در میان معلمان به مراتب بالاتر سیاستی اشتباه است که موجب فاصله گرفتن معلمان از مسائل واقعی کلاس درس و دانش‌آموزان خواهد شد. به‌ویژه آنکه در این شاخص تعداد مقالات و نه میزان تناسب با مشکلات و گره‌گشایی آنها از مسائل آموزش و پرورش ملاک قرار گرفته است.

۱۲ عدم تعریف سازوکارهای سنجش برخی شاخص‌ها

با وجود آنکه شاخص‌های تعریف شده در مصوبه ۸۸۶ به صورتی ضمنی به دو بخش کمی و کیفی تفکیک شده، اما همچنان شاخص مهمی مانند «میزان رضایت شغلی کارکنان» در میان شاخص‌های کمی آمده است بدون آنکه سازوکاری برای سنجش آن تعریف شود و در بخش محاسبه تنها آمده است: «این شاخص پس از تعیین مؤلفه‌های رضایت شغلی کارکنان، به روش علمی و از طریق ابزارسازی مناسب با سنجش مورد نظر، قابل حصول خواهد بود».

۱۳ هم‌پوشانی برخی شاخص‌ها در یک مسئله

محدودیت شاخص‌های آمده ایجاب می‌کند که شاخص‌هایی در این مصوبه ذکر شود که هر کدام بر مسئله‌ای مشخص تمرکز کرده و از ورود جزئی به یک مسئله پرهیز شود. این در حالی است که در مصوبه حاضر به رغم مغفول ماندن برخی از وجوه عملکرد وزارت آموزش و پرورش، به جزییات وجوه دیگر به شکل همپوشان تأکید شده است. برای مثال می‌توان به شاخص‌های ذیل اشاره داشت:

۱۴ نرخ ارتقای دانش‌آموزان: این شاخص بیانگر درصد دانش‌آموزانی است که در ارزشیابی پایانی قبول شده و در پایه بالاتر ثبت‌نام کرده‌اند. احراز یک پایه تحصیلی یا رده شغلی بالاتر از پایه تحصیلی یا رده شغلی قبلی را ارتقای می‌گویند.

نرخ ماندگاری دانش‌آموزان: درصد دانش‌آموزان ورودی پایه اول را نشان می‌دهد که توانسته‌اند با قبولی یا تکرار پایه / واحد درس به پایه بالاتر ارتقا یافته و تا آن پایه ترک تحصیل نکرده‌اند.

■ **نرخ گذر دانش آموزان:** درصد دانش آموزان ثبت نام شده در پایه اول دوره تحصیلی بالاتر در یک سال تحصیلی مشخص، به نسبت تعداد دانش آموزان ثبت نام شده در آخرین پایه تحصیلی سال قبل.

■ **نرخ تکرار پایه دانش آموزان:** این شاخص نشان دهنده سهم جمعیت دانش آموزی است که در سال تحصیلی معین و در یک پایه مشخص، ثبت نام کرده و در سال تحصیلی آینده نیز در همان پایه تحصیلی ثبت نام می کنند.

همه شاخص‌های فوق در واقع به دنبال مسئله‌ای واحد می باشند و هر باری به نحوی و از وجهی به مسئله پرداخته شده، این در حالی است که این شاخص‌ها با توجه به پیچیدگی‌های نظام یادگیری و همچنین نواقص نحوه ارزیابی و امتحانات پایان سال چندان نمی توانند گویای وضعیت نظام آموزش و پرورش در فرایند یاددهی - یادگیری باشد.

۱۱) **عدم توجه به شاخص‌هایی به جهت سنجش کارکردهای تربیتی و پرورشی**

آنچه که اکنون در مصوبه ۸۸۶ با آن مواجه هستیم عمدتاً شامل مواردی برای سنجش ساختار و تجهیزات وزارت آموزش و پرورش و برخی از کارکردهای جزئی در حوزه یادگیری و آموزش می باشد و از سنجش کارکردهای تربیتی و فرهنگی غفلت شده است، البته در این باره شاخص‌هایی تحت عنوان شاخص‌های کیفی آمده، اما عملاً به دلیل عدم تعیین دقیق و واسپاری طراحی ابزارها و سنجه‌های سنجش آن به وزارت آموزش و پرورش غیر قابل اندازه گیری بوده و عملکرد سال‌های اخیر نیز نشان می دهد که این شاخص‌ها عملاً اندازه گیری نشده است.

۱۲) **عدم توجه به شاخص‌هایی برای سنجش آموزش‌های مجازی و بهره‌مندی از فناوری‌های**

نوظهور

هر چند که به دلیل تقریر مصوبه ۸۸۶ پیش از گسترش آموزش‌های مجازی و فناوری‌های نوظهور در کشور، نمی توان عدم توجه این مصوبه به سنجش عملکرد آموزش و پرورش در این حوزه را نقیصه‌ای برای مصوبه مذکور به حساب آورد، اما با وجود تأکید مقدمه سند بر بازنگری در آن طی بازه‌های پنج‌ساله یکی از نکات مهم، لزوم توجه به این آموزش‌ها و فناوری‌هاست. در حال حاضر تنها شاخصی تحت عنوان «نرخ اتصال مدارس به شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات» در سند وجود دارد که به هیچ عنوان نمی تواند شناخت دقیقی از وضعیت آموزش‌های مجازی و بهره‌مندی دانش آموزان از فناوری‌های نوظهور باشد.

علاوه بر آنچه که تاکنون در خصوص ایرادهای وارد به شاخص‌ها اظهار شده، به نظر می رسد برخی از شاخص‌های موجود نیز با توجه به نابسامانی‌ها و چالش‌های آماری آموزش و پرورش و عدم وجود برخی از داده‌ها، عملاً قابل محاسبه نیستند؛ این مشکل به ویژه آنگاه بیشتر جلب توجه می کند که به سالنامه‌های آماری به عنوان تنها مرجع ارائه داده‌های اولیه آموزش و پرورش مراجعه کنیم. در واقع جامعیت و کاملیت داده‌های سالنامه‌های آماری، ضامن ارزیابی سنجه‌ها از سوی پژوهشگران و سیاستگذاران خواهد بود. با توجه به اهمیت این مسئله در بخش بعدی به شکلی مبسوط به ایرادهای این سالنامه‌ها پرداخته ایم.



۵. بررسی سالنامه‌های آماری وزارت آموزش و پرورش

وزارتخانه آموزش و پرورش از محدود دستگاه‌هایی است که سالیانه داده‌های اولیه‌ای را از وضعیت خود در ابعاد فضا و تجهیزات، کارکنان، دانش آموزان، امتحانات و... در قالب سالنامه‌های آماری منتشر می‌سازد. از آنجایی که این سالنامه‌ها تنها آمار عمومی در دسترس پژوهشگران خارج از دستگاه آموزش و پرورش است، پایه‌ای اساسی و مهم در نظام سنجش و پایش آموزش و پرورش و محاسبه هر گونه شاخصی تلقی می‌شوند. با وجود این، فارغ از مزیت‌های این سالنامه‌ها، نقاط ضعف متعددی در آنها مشهود است که رفع این نواقص می‌تواند به مطالعات پژوهشی و سیاستگذاری آموزش و پرورش کمک بهینه‌ای کند، از این رو در ادامه به بخشی از مهم‌ترین اشکالات وارد بر این سالنامه‌ها اشاره شده است:

۱. تأخیر در چاپ و انتشار

در حال حاضر سالنامه‌ها با تأخیر چندین ماهه بعد از پایان هر سال تحصیلی منتشر می‌شود و برخی از شاخص‌ها نیز با تأخیر یک ساله گزارش می‌شوند. این مسئله موجب می‌شود سنجش و مطالعه نظام آموزش و پرورش همواره از واقعیت میدان عقب بماند و بسیاری از داده‌های آن نتواند مبنای سیاستگذاری دقیق و رو به آینده قرار گیرد. به عبارت دیگر ممکن است سیاستگذاران و پژوهشگران بر روی مواردی کار می‌کنند که با واقعیت امروز نظام آموزش و پرورش هم‌خوانی ندارد. این مسئله آنگاه که به بحران‌هایی همچون فراگیری ویروس کرونا مواجه می‌شویم بیشتر خودنمایی می‌کند، به عبارتی در لحظاتی که باید به سرعت تصمیم‌گیری کرد، داده‌ای متقن موجود نیست و باید بر اساس داده‌های پراکنده تصمیم‌گیری کرد که در این حالت تصمیمات نیز نادقیق می‌شوند.

۲. فقدان آمار بخش‌هایی از وزارتخانه آموزش و پرورش

به‌رغم آنکه در سالنامه‌های آمار اطلاعات بسیاری وجود دارد، اما آمار برخی از بخش‌های مهم این وزارتخانه در سالنامه آماری موجود نیست. از این دست می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

- آمار کارکنان ستادی وزارت آموزش و پرورش و سازمان‌های تابعه آن مانند سازمان نهضت سوادآموزی، مرکز امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور، سازمان مدارس غیردولتی، سازمان آموزش و پرورش استثنائی، سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور و...
- آمارهای مهم پیرامون کارکنان و معلمان مأمور به سایر دستگاه‌های اجرایی مانند آمار کارکنان اعزامی به مدارس غیردولتی، معلمان و کارکنان اعزامی به مدارس خارج از کشور و کارکنان مأمور به ادارات دولتی.
- آمار معلمان حق‌التدریس، آموزشیاران نهضت سوادآموزی، نیروهای خرید خدمات، سرباز معلمان و... تعداد دانش‌آموزان مناطق با دانش‌آموز کمتر از ۱۰۰ نفر.

■ تعداد دانش‌آموزان کلاس‌های چند پایه به تفکیک دو پایه، سه پایه، چهار پایه، پنج پایه و شش پایه

۱. آخرین آمار کارکنان غیردولتی (اعزام به غیرانتفاعی) در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ گزارش شده است.

- معیارهای در نظر گرفته شده در مصوبه ۸۸۶ شورای عالی آموزش و پرورش).
- آمار کارکنان و دانشجویان مراکز تربیت معلم (دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی).
- آمار کارکنان بخش غیر دولتی (مدارس غیردولتی).
- آمار ورودی (به تفکیک مراکز تربیت معلم و آزمون ماده (۲۸) اساسنامه دانشگاه فرهنگیان) و خروجی (بازنشستگان) نیروی انسانی.
- آمار هنرآموزان (معلمان هنرستان‌ها).

۳۲ خطاهای محاسباتی

در بسیاری از جداول آماری خطاهای محاسباتی وجود دارد که موجب عدم اعتماد پژوهشگران به داده‌های نهایی یا جمع‌های کل می‌شود و عملاً پژوهشگر را وادار می‌سازد با شک در تمامی اعداد ارائه شده به راستی آزمایی جداول بپردازد.

۳۳ حذف آمارهای مرتبط با حوزه‌های ستادی

در سالنامه‌های سال‌های قبل همچون سالنامه سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ در جداول اصلی، میان استان‌ها، ردیف نیز با عنوان «حوزه‌های ستادی» وجود داشته یا در سالنامه سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ جدولی با عنوان کارکنان حوزه ستادی و سازمان‌های تابعه قید می‌شده، اما این آمار در سال‌های بعد حذف شده است.

۳۴ فقدان شاخص‌هایی برای سنجش حوزه‌های مهم همچون عدالت آموزشی و کیفیت آموزشی

عمده داده‌های موجود در سالنامه آماری مربوط به مسائل کمی هستند، در حالی که وجود داده‌هایی برای سنجش کیفیت خدمات و آموزش‌های ارائه شده نیز برای مطالعات پژوهشی و سیاست‌گذاری حائز اهمیت است. برخی از آمارهای موجود در این حوزه‌ها نیز به نظر می‌رسد به تنهایی نمی‌توانند کارکرد مطلوبی داشته باشند؛ برای مثال برای سنجش کیفیت آموزش‌های ارائه شده تنها می‌توان آمار نتایج امتحانات پایه‌های تحصیلی (شامل شرکت‌کنندگان در امتحانات، قبول‌شدگان، مردودین و درصد قبولی) را مشاهده کرد. در حالی که مهم‌تر از قبولی یا مردودی، نمرات دانش‌آموزان است. زیرا چه با نمره ۲۰ و چه با نمره ۱۰ می‌توان قبول شد، اما میزان نمره کسب شده در سنجش کیفیت یادگیری اهمیت بالاتری دارد، هر چند که نمره نیز به تنهایی گویای کیفیت یادگیری نیست، اما به هر شکل می‌تواند یکی از معیارهای سنجش قرار گیرد.

۳۵ حذف برخی از شاخص‌ها در برخی از سال‌های تحصیلی

یکی از مواردی که در مطالعات پژوهشی حائز اهمیت است، امکان سنجش پیوسته وضعیت شاخص‌ها می‌باشد؛ این در حالی است که در برخی از سال‌های تحصیلی به یکباره شاخصی حذف یا گزارش آن ارائه نمی‌شود و عملاً در فرایند سنجش وقفه ایجاد می‌کند. برای نمونه جمعیت دانش‌آموزان پایه سوم متوسطه در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ گزارش نشده یا آمار تفکیکی هنرآموزان فنی و حرفه‌ای و کاردانش تنها تا سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۷ ذکر شده که این موجب می‌شود بسیاری از شاخص‌هایی که بر مبنای این جمعیت قابل محاسبه است، از دسترس خارج شوند.



۷. فقدان آمارهای مربوط به آموزش‌های مجازی و بهره‌مندی از تکنولوژی‌های نوظهور

با توجه به اهمیت یافتن آموزش‌های مجازی و تکنولوژی‌های نوظهور در سال‌های اخیر به‌ویژه پس از همه‌گیری ویروس کرونا، جای خالی آمارهایی که نشان‌دهنده وضعیت این آموزش‌ها و میزان دسترسی دانش‌آموزان و معلمان و مهم‌تر از آن کیفیت آموزش‌های ارائه شده باشد، در سالنامه‌های آماری خالی است.

۸. نقص داده‌های برخی شاخص‌ها

در برخی موارد با وجود آنکه داده‌های شاخصی در سالنامه آماری موجود است، اما نقص در اطلاعات آمده موجب می‌شود که عملاً آن شاخص و داده‌ها قابل بهره‌برداری نباشد و نتوان بر مبنای آن تصمیم‌گیری کرد یا پژوهشی را به سرانجام رساند. برای مثال در موارد متعددی دیده شده است که آمارهای نیروی انسانی بدون آمار سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنائی ارائه می‌شود یا آمارهای مربوط به کارکنان بدون آمار نیروهای ستادی و مراکز تربیت معلم ارائه شده است. همچنین جمعیت‌های دانش‌آموزان نیز گاهی بدون در نظر گرفتن بزرگسالان گزارش می‌شود. در صورتی که پژوهشگران و سیاستگذاران باید در نهایت آماری جامع، کامل و نهایی از وضعیت هر شاخص داشته باشند.

۶. جمع‌بندی و ارائه پیشنهادها

آنچه که گذشت نشان می‌دهد ارزیابی نظام آموزش و پرورش که از دو حیث، سنجش عملکرد و تعیین اهدافی برای تنظیم برنامه‌ها در جهت نیل به استانداردها، گذارهای مهم در کارآمدی نظام آموزش و پرورش است، تاکنون به شکلی جامع عملیاتی نشده و از اقدامات مهمی همچون موارد ذیل که اسناد بالادستی بر آنها تأکید دارند، غفلت شده است:

- ارزیابی و نظارت راهبردی فرایند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ارزشیابی بیرونی عملکرد نظام تربیت رسمی عمومی در حوزه ساحت‌های شش‌گانه تربیت و زیرنظام‌های آن، زیر نظر شورای عالی آموزش و پرورش در دوره‌های زمانی سه تا پنج‌ساله.
- طراحی شاخص‌های ارزیابی میزان تحقق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
- طراحی الگوی ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی، پرورشی و تربیتی مدارس و تدوین عوامل، ملاک‌ها، شاخص‌ها و معیارهای معتبر و استاندارد مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی.
- طراحی سازوکارهای مناسب برای رصد دوساله تحولات نظام آموزش و پرورش و تربیت معلم در سطح ملی، منطقه‌ای، جهان اسلام و بین‌المللی تا پایان سال اول برنامه ششم توسعه.

■ طراحی نظام و تدوین ملاک‌ها، شاخص‌ها و معیارهای ارزشیابی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی. ارزشیابی نظام آموزش و پرورش در مرحله نخست نیازمند تعیین شاخص‌هایی برای سنجش عملکرد است. این شاخص‌ها باید ذیل هدف کلان نظام آموزش و پرورش که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ترسیم شده است، تعریف شوند، اما در حال حاضر تنها به مصوبه ۸۸۶ شورای عالی آموزش و پرورش و تعریف ۲۹ شاخص کمی و ۱۴ شاخص کیفی، خلاصه شده‌اند که آن نیز دارای اشکالات متعددی همچون موارد ذیل است:

- فقدان جامع‌نگری در شاخص‌های سنجش عملکرد نظام تعلیم و تربیت و عدم توجه به شاخص‌هایی برای سنجش کارکردهای تربیتی و پرورشی، آموزش‌های مجازی و بهره‌مندی از تکنولوژی‌های نوظهور.
- ابهام در نسبت شاخص‌های تعیین شده با اسناد بالادستی.
- عدم تعیین تکلیف سازوکارهای سنجش برخی شاخص‌ها از جمله شاخص‌های کیفی.
- وجود ابهام در استانداردهای برخی شاخص‌ها و اشتباهات علمی یا فنی در تعیین آنها.
- عدم تفکیک منطقه‌ای (کشوری / شهری / روستایی / منطقه آموزشی) شاخص‌ها.
- عدم تفکیک استانداردهای دوره متوسطه دوم.
- شاخص‌های غیر همسو با مسیر کارآمدی نظام آموزشی.
- هم‌پوشانی برخی شاخص‌ها در یک مسئله.

اگر اشکالات بر شمرده در بالا نیز موجود نبود، با اطلاعات و آمارهای منتشر شده از وزارتخانه آموزش و پرورش که تنها به سالنامه‌های آماری منحصر است، نمی‌شد بسیاری از شاخص‌ها را به‌درستی محاسبه و به شکل فرایندی مورد مطالعه قرار داد، زیرا این سالنامه‌ها دارای مشکلاتی از این قبیل هستند:

- تأخیر در چاپ و انتشار.
- فقدان آمار بخش‌هایی از وزارتخانه آموزش و پرورش.
- خطاهای محاسباتی.
- حذف آمارهای مرتبط با حوزه‌های ستادی.
- فقدان شاخص‌هایی برای سنجش حوزه‌های مهم همچون عدالت آموزشی و کیفیت آموزشی.
- حذف برخی از شاخص‌ها در برخی از سال‌های تحصیلی.
- فقدان آمارهای مربوط به آموزش‌های مجازی و بهره‌مندی از تکنولوژی‌های نوظهور.
- نقص داده‌های برخی شاخص‌ها.

پیشنهادها

با وجود این و فارغ از لزوم استقرار نظام جامع سنجش و پایش عملکرد وزارتخانه آموزش و پرورش با ارتقای



مرکز فعلی سنجش و پایش کیفیت آموزشی، پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت نظام سنجش و پایش آموزش و پرورش از منظر شاخص‌های ارزیابی در شرایط فعلی ارائه می‌شود:

۱. ارتقای «مرکز سنجش و پایش کیفیت تحصیلی» به سازمانی مستقل ذیل شورای عالی آموزش و پرورش با ساختار هیئت‌امنی و با رویکرد استقرار نظام سنجش یکپارچه و برخط شاخص‌های کیفیت نظام آموزشی: مرکز سنجش و پایش کیفیت تحصیلی هم‌اکنون به‌عنوان مرکزی ذیل نظر وزیر آموزش و پرورش اداره می‌شود. در ساختار کنونی رئیس سازمان منصوب شخص وزیر است و طبیعتاً گزارش‌های رصد و پایش کیفیت تحصیلی و کارکردهای وزارتخانه از آنجا که به‌منزله عملکرد وزارتخانه مرتبط می‌شود و با تعارض منافع مواجه است. از این رو به‌منظور رصد دائمی کیفیت آموزشی و کارکردهای وزارت آموزش و پرورش، این مرکز نیازمند ارتقای ساختاری و تغییر نحوه مدیریت برای رفع تعارض منافع و افزایش اختیارات جهت رصد مداوم کیفیت آموزشی است. انتقال این مرکز ذیل شورای عالی آموزش و پرورش با تکلیف زیر نظام پژوهش و ارزشیابی نظام مبنی بر «ارزشیابی بیرونی عملکرد نظام تربیت رسمی عمومی در حوزه ساحت‌های شش‌گانه تربیت و زیرنظام‌های آن زیر نظر شورای عالی آموزش و پرورش در دوره‌های زمانی سه تا پنج‌ساله» نیز منطبق می‌باشد. همچنین نیاز است تحقیقات این مرکز از قید عدم انتشار رها شده و به‌صورت برخط در دسترس سیاستگذاران، مجریان و پژوهشگران حوزه آموزش و پرورش قرار گیرد. این سازمان موظف به سنجش و ارزیابی و رتبه‌بندی معلمان، ارزیابی و رتبه‌بندی مدارس، ارزیابی و سنجش فرایندهای یاددهی-یادگیری خواهد بود.

۲. بازنگری در مصوبه ۸۸۶ شورای عالی آموزش و پرورش با هدف شاخص‌گذاری بر مبنای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و زیرنظام‌های آن: از آنجا که استانداردهای تعیین شده در مصوبه ۸۸۶ بر اساس آنچه که در مقدمه سند آمده دارای اعتبار پنج‌ساله بوده و در ۱۳۹۷/۷/۱۵ به سر آمده، ضروری است که شورای عالی آموزش و پرورش با توجه به انتقادهای مطرح در خصوص این مصوبه از جمله نکات ذکر شده در این گزارش، نه تنها استانداردها را به روز سازد، بلکه در شاخص‌ها نیز بازاندیشی کند و به‌ویژه شاخص‌های کیفی را با در نظر گرفتن شاخص‌هایی دقیق، قابل اندازه‌گیری، رصد و پایش سازد. همان‌طور که بیان شد برای تحقق سند تحول بنیادین به‌عنوان مهم‌ترین سند بالادستی که نقطه مطلوب آموزش و پرورش را معین می‌سازد، باید شاخص‌های سنجش عملکرد وزارت آموزش و پرورش نیز بر اساس راهکارها و رویکردهای این سند و زیرنظام‌های آن تنظیم شود تا هم نظام آموزش و پرورش به‌سمت اجرایی‌سازی سند تحول بنیادین سوق یابد و هم میزان تحقق سند تحول بنیادین قابل ارزیابی باشد.

۳. طراحی سازوکارهای مناسب برای رصد دوسالانه تحولات نظام آموزش و پرورش و تربیت معلم در سطح ملی، منطقه‌ای، جهان اسلام و بین‌المللی: این امر مورد تأکید زیر نظام پژوهش و ارزشیابی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی مصوب نهمصد و چهل و هفتمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۹۶/۷/۳ بوده که باید تا پایان سال اول برنامه ششم توسعه انجام شود. تکلیف بر این امر از حیث معین شدن

رتبه ایران در سطح ملی، منطقه‌ای، جهان اسلام و بین‌المللی حائز اهمیت است.

۴. تعیین شاخص‌هایی به تفکیک حوزه‌های مهمی همچون کیفیت آموزشی، آموزش‌های مجازی، عدالت آموزشی و آموزش‌ساحت‌های شش‌گانه: جدای از سنجش عملکرد وزارتخانه آموزش و پرورش رصد مستمر برخی از حوزه‌های موضوعی مهم، به‌خودی‌خود حائز اهمیت و نیازمند تعریف شاخص است. از جمله این حوزه‌ها می‌توان به کیفیت آموزشی، عدالت آموزشی و آموزش‌ساحت‌های شش‌گانه («ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی»، «ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای»، «ساحت تربیت علمی و فناوری»، «ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی»، «ساحت تربیت زیستی و بدنی»، «ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری») اشاره کرد.

۵. تعیین شاخص‌هایی برای سنجش عملکرد نظام یاددهی - یادگیری: همان‌طور که پیش‌ازین نیز بیان شد، در حال حاضر و با توجه به پیچیدگی‌های امر آموزش نمی‌توان تنها به ارتقای دانش‌آموزان و گذر تحصیلی آنها از پایه‌ای به پایه‌ای دیگر به‌عنوان سنجح موفقیت یادگیری بسنده کرد. این مهم نیازمند تعریف شاخص‌هایی دقیق است که اولاً یادگیری را در دانش‌آموزان سنجیده و ثانیاً بتواند کیفیت آموزش‌های ارائه‌شده از سوی معلمان و مهارت‌های معلم را به‌عنوان یاددهنده بسنجد.

۶. تدوین شاخص‌هایی به جهت سنجش کیفیت و کمیت عملکرد آموزش و پرورش در حوزه فرهنگی - تربیتی (پرورشی): عمده سنجح‌های موجود برای ارزیابی عملکرد وزارت آموزش و پرورش معطوف به فرایندهای آموزشی و ساختار و تجهیزات است، درحالی‌که حوزه تربیتی - فرهنگی به‌عنوان یکی از کارکردهای اصلی آموزش و پرورش باید محل توجه قرار گیرد و با تعریف شاخص‌هایی وضعیت عملکرد آن مشخص شود. در این مهم نباید به ذکر شاخص‌هایی کیفی بسنده کرد و مانند مصوبه ۸۸۶ طراحی سازوکارهای آن را به وزارت آموزش و پرورش سپرد، بلکه باید با تعیین سنجح‌ها و ابزارهایی دقیق برای هر یک به دقت مورد ارزیابی قرار گیرند.

۷. جمع‌سامانه‌های آماری وزارتخانه آموزش و پرورش و ارائه وضعیت برخط، دقیق و به‌روز شاخص‌ها: در کنار لزوم به‌روزرسانی شاخص‌ها، تسهیل دسترسی به شاخص‌ها برای پژوهشگران و سیاستگذاران امری مهم است و تنها در این صورت خواهد بود که ارزشیابی عملکرد وزارت آموزش و پرورش بر هدف نهایی خود می‌نشیند. در حال حاضر جزء سالنامه‌های آماری، داده‌های رسمی دیگری از سوی آموزش و پرورش منتشر نمی‌شود که این وضعیت قابل قبول نیست و نیاز است سامانه‌های آماری متعدد وزارت آموزش و پرورش در یکدیگر ادغام و با راه‌اندازی سامانه‌ای واحد داده‌های خام و وضعیت شاخص‌های مورد نظر در دسترس قرار گیرد.



منابع و مآخذ

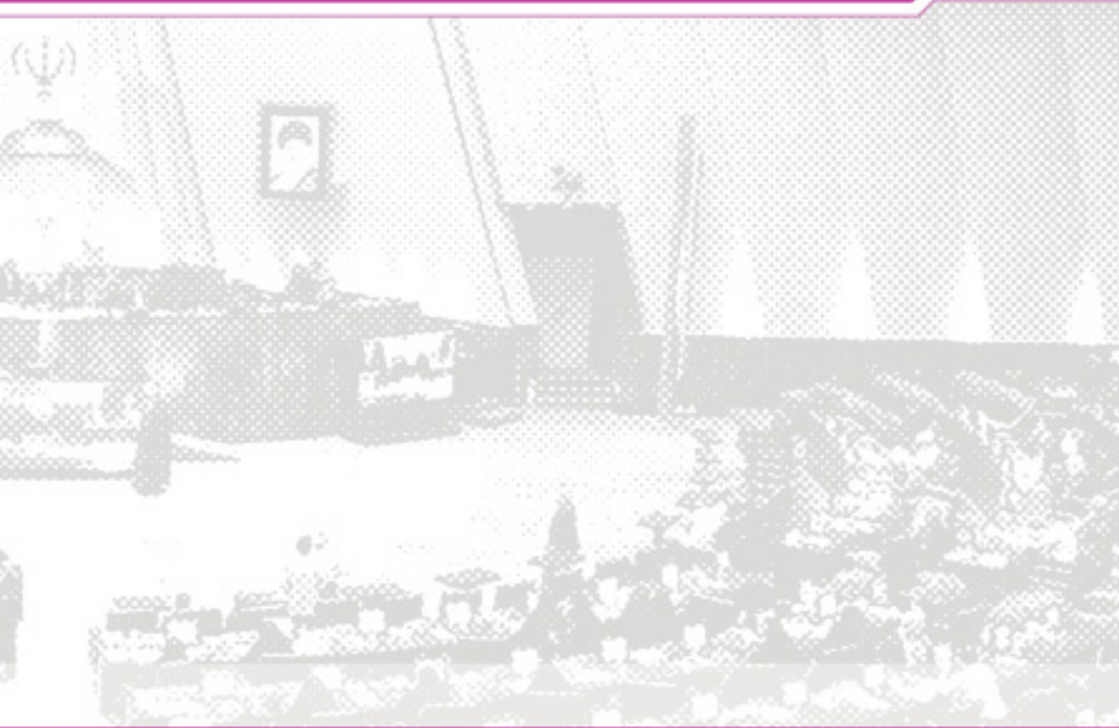


۱. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در آذرماه سال ۱۳۹۰.
۲. برنامه زیرنظام پژوهش و ارزشیابی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش مصوب نهصد و چهل و هفتمین (۹۴۷) جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۹۶/۷/۳.
۳. قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۴.
۴. سند «شاخص‌های ارزیابی نظام آموزش و پرورش» مصوب جلسه ۷۶۰ شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۳.
۵. سند «نشانگرهای ارزشیابی نظام آموزش و پرورش و استانداردهای آن» مصوب جلسه ۸۸۶ شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۵.
۶. گزارش «واکاوی رویکرد مقاله محوری در تحقیقات دانشگاهی و غفلت از نیازها و مسائل کشور» منتشره از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مورخ آذرماه سال ۱۴۰۰.
۷. سالنامه‌های آماری وزارت آموزش و پرورش.
۸. خبرگزاری تسنیم (کد خبر ۱۸۳۶۴۵۳ و ۱۳۷۵۶۶۲).
۹. خبرگزاری ایلنا (کد خبر ۶۸۳۲۴۹).

پی‌نوشت



- [۱] مصاحبه مدیر کل وقت آموزش و پرورش استان قم با خبرگزاری تسنیم مورخ مهرماه سال ۱۳۹۷:
<https://tn.ai/1836453>
- [۲] مصاحبه مدیر کل وقت آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران با خبرگزاری ایلنا مورخ مهرماه سال ۱۳۹۷:
<https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-683249>
- [۳] مصاحبه مدیر کل وقت آموزش و پرورش استان البرز با خبرگزاری تسنیم مورخ فروردین ماه سال ۱۳۹۶:
<https://tn.ai/1375662>
- [۴] گزارش «واکاوی رویکرد مقاله محوری در تحقیقات دانشگاهی و غفلت از نیازها و مسائل کشور»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، آذرماه سال ۱۴۰۰.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان باستانداران، روبروی پارک فناوری اطلاعات جنوبی، پلاک ۱۸۰۲

تلفن: ۲۲۸۲۰۰۰ | صندوق پستی: ۱۳۹۹۵-۵۸۵۵ | وبسایت: www.majlis.gov.ir

www.majlis.gov.ir